

فصل نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال چهارم / شماره یازدهم / بهار ۱۳۹۹

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی،

سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده

جعفر محمدی<sup>۱</sup>؛ دکتر آرش مشفق<sup>۲</sup>؛ دکتر عزیز حجاجی کهجوق<sup>۳</sup>

### چکیده

نماد از منظر علوم بلاغی، کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا می‌کند. بیان اندیشه‌های پیچیده عرفانی و انعکاس غیرمستقیم اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در قالب نمادین، سبب ظهور ویژه نماد در گستره شعر فارسی شده است. در ادبیات معاصر، علاوه بر عوامل مذکور، بروز مکاتبی که گرایش خاص به ابهام دارند، توجه به نمادپردازی را افزون‌تر می‌نماید. هدف نویسنده از این پژوهش، بررسی نمادهای شعر معاصر، گره‌گشای ابهام حاکم بر آن‌هاست. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است، نمادهای موجود در شعر هراتی، حسینی و صفارزاده که از شاعران برجسته انقلاب و جنگ محسوب می‌شوند، از لحاظ میزان ابهام، بررسی شده است. در بررسی نماد از دیدگاه میزان ابهام، نمادهای حقیقی، نماد مطابق با تعریف اصلی خود و موارد نزدیک به نماد، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا، قابل تعریف‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هراتی با ۵۵ درصد، صفارزاده با ۳۱ درصد و حسینی با ۱۴ درصد در رده‌های اول تا سوم نمادپردازی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین این می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت در روند نمادپردازی تأثیری ندارد، بلکه بسته به سبک و رویکرد شاعر است.

**واژگان کلیدی:** بلاغت، حسن حسینی، سلمان هراتی، شعر انقلاب و دفاع مقدس، شعر معاصر، طاهره صفارزاده، نمادپردازی.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. jafarmohammadi981@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. moshfeghi.arash@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. hjajykhjwaz@gmail.com

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

«نماد» کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر معنی ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده، القا می‌کند. عمل به‌کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» می‌گویند. نماد از دیرباز در شعر عرفانی خصوصاً به دلیل برخورداری از جنبه‌های اساطیری، اشرافی و الهامی - وجود داشته و نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بوده است» (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

با وجود ماهیت متنوع و رازآمیز نماد، اهمیت آن در شعر و البته در شعر معاصر، بسیار زیاد است. مهم‌ترین علت گرایش شاعران معاصر به «نمادپردازی»، آشنایی با کار شاعران نمادگرای فرانسوی بوده است، امروزه هدف شاعران معاصر از کاربرد نماد، غنی کردن جوهر ادبی آثار هنری است؛ یعنی شاعران، پس از نیما، دریافتند که خواننده معاصر از ساده‌گویی و ساده‌اندیشی، دلزده می‌شود. این تفکر، شاعران را واداشت تا در پاسخ به کثرت‌گرایی معنایی و ساده‌گریزی خواننده، به سخن نمادین روی آورند؛ یعنی به وسیله گستردگی حوزه مفهومی و توان بی‌مانند تداعی انگیزی نماد و افزونی امکانات و قابلیت‌های معنایی در لفظی اندک، به سمت یکی از اغراض هنری، یعنی «ابهام» متمایل شوند. در پی این روند، انواع نماد به شعر راه یافت و خواننده را بر آن داشت تا برای درک و فهم شعر معاصر و کنار زدن پرده‌های ابهام، انواع نماد را بر اساس معیارهای مختلفی همچون وسعت و شمول، جایگاه نماد در اثر، سیر تاریخی و طبیعی، پیوستگی با تفکر و اندیشه، پیوستگی با حوزه‌های علوم، ارزش‌های بنیادی و تکوینی، جنس پدیده‌ها و موضوعات و... مورد شناسایی قرار دهد و روز به روز به دنبال شناخت انواع دیگری باشد؛ اما این، برای برقراری ارتباط با نمادهای معاصر و فهم شعر، کافی نیست؛ چراکه عناصر نمادین که در سراسر تاریخ شعر فارسی، مفاهیم خاص یافته‌اند، چندان‌که هر فارسی‌زبان، هرچند ارتباط کمی با هنر داشته باشد، می‌تواند آن‌ها را دریابد و گاه در مناسبات روزمره خود از آن‌ها بهره گیرد، ناگهان در شعر نیما، سیما و سیرتی دیگر پیدا

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده می‌کنند و مفاهیمی را می‌یابند که بیش از هر چیز، حاصل نوعی جهان‌بینی ویژه است؛ مفاهیمی که خاص اندیشه و نگاه اجتماعی - سیاسی او به نظام هستی است.

لذا با توجه به اختلاف و تفاوت و حتی تقابل معنایی در شعر کلاسیک و نمادهای شعر معاصر، برداشت و تلقی خوانندگان در دریافت و معنایابی نمادها، نباید مستقل از بافت و اقتضای حال باشد؛ بنابر این اهمیت شناسایی نماد در شعر معاصر، پژوهشگر را بر آن داشته تا آن را در آثار سه تن از شاعران معاصر (هراتی، حسینی و صفارزاده) مورد بررسی قرار دهد.

### ۲-۱. اهمیت و ضرورت

شعرای معاصر تحت تأثیر اختناق و استبداد حاکم بر جامعه و یا سانسورهای ادبی، آشنایی با شاعران نمادگرای فرانسوی، ابهام‌آفرینی و در نتیجه غنای معنایی، به نمادپردازی روی آورده و از سخنان مبهم و چندلایه، بهره برده‌اند؛ لذا برای فهم شعر معاصر و گره‌گشایی ابهام حاکم بر آن‌ها، بررسی و معرفی نمادها ضروری است. از آنجایی که معمولاً دسته‌بندی‌های ارائه شده در مورد نماد، جزئی هستند و نمی‌توانند دربرگیرنده تمامی انواع نماد باشند، ضرورت دارد، دسته‌بندی کلی‌تر و جامع‌تری ارائه شود. حوزه شعر انقلاب و دفاع مقدس، از جمله حوزه‌های شعر معاصر است که غریب و مهجور مانده و کمتر به بررسی آن و نمادهای موجود در آن پرداخته شده است. عدم بررسی‌های لازم در این زمینه، ایجاب می‌کند نمادهایی که حول محور انقلاب و دفاع مقدس به کار گرفته شده‌اند، لااقل در گستره محدودی، مورد بررسی قرار بگیرند؛ لذا در این پژوهش به معرفی نمادهای شعر هراتی، حسینی و صفارزاده که از برجستگان شعر این حوزه، محسوب می‌شوند می‌پردازیم.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

- احمد رضایی جمکرانی (۱۳۷۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره» به بررسی نماد در شعر پنج شاعر شاخص معاصر پرداخته است و از

مقایسه و تحلیل نماده و آمار به دست آمده به این نتیجه رسیده است که قریب به ۶۰ درصد نمادهای به کار رفته در شعر این شاعران، کلیشه‌ای و قدیمی هستند و تنها حدود ۴۰ درصد آن‌ها جنبه ابتکاری دارند و همچنین می‌توان گفت در سروده‌هایی که در قالب کلاسیک هستند، نماد کمتری به کار رفته است و اشعاری که به سبک نو یا نیمایی هستند ظرفیت نمادپذیری بیشتری دارند.

- همایون جمشیدیان (۱۳۷۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «بررسی و تحلیل واقع‌گرایی و نمادگرایی در ادبیات منظوم دفاع مقدّس»، به این نکته اشاره کرده است که مناسب‌ترین زبان برای بیان مضامین عرفانی و معنوی زبان نماد است و شاعران با نماد و نمادگرایی عواطف و نگرش خود را به تصویر کشیده‌اند.

- مهدی سعادت در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی نماد و نمادگونه‌ها در شعر دفاع مقدّس»، نمادها و نمادواره‌ها را به صورت عمومی در اشعار برخی از شاعران دفاع مقدّس که در قالب‌های مختلف اعم از نیمایی، سپید، سنتی، رباعی و دوبیتی و غزل و مثنوی شعر سروده‌اند، بررسی کرده است.

- صدیقه رسولیان آرانی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم با عنوان «بررسی نماد در شعر معاصر با تأکید بر آثار سلمان هراتی، سید حسن حسینی و طاهره صفار زاده» به بررسی نمادهای موجود در سه دیدگاه کلی معنایی، اجزا و عناصر پرداخته است. وجه تمایز مقاله این‌جانب با پایان‌نامه مذکور در این است که نویسنده مبحث نماد را بر اساس میزان ابهام در سروده‌های سه شاعر مذکور، بررسی کرده است.

- محمد قربانی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نمادهای اسطوره‌ای ملی و دینی در شعر دفاع مقدّس» به بررسی نمادهای اسطوره‌ای پرداخته است و موضوع مقاله حاضر بحث درباره کاربرد اسطوره‌های ملی و مذهبی در شعر دفاع مقدّس و نوع نگاه شاعران دفاع مقدّس به این‌گونه اساطیر است و نویسنده درصدد است تا این موضوع را روشن سازد که نام‌های اسطوره‌ای تا چه میزان در تحریک مخاطب در مقابله با دشمن، سهمیم بوده است.

- یحیی معروف و عاطی عیبات (۱۳۹۰)، در مقاله «نمادپردازی در شعر پایداری دفاع مقدّس» به بررسی اهمیت نماد و انواع آن در شعر دفاع مقدّس و میزان تأثیر آن بر

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده روحیه مردم برای حضور در جبهه‌ها و تشویق رزمندگان برای پایداری و دفاع از میهن پرداخته است. آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های قبلی می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با بررسی و مقایسه تطبیقی نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر شاعران دفاع مقدس صورت نگرفته است؛ بنابر این تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد.

#### ۱-۴. روش تحقیق

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع نظری تحقیق، تلاش شده است تا نمادها از دیدگاه میزان ابهام در سروده‌های سه شاعر انقلابی، هراتی، حسینی و صفارزاده، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

#### ۲. بحث و بررسی

##### ۲-۱. زمینه شکل‌گیری نماد در شعر

شاعران معمولاً نمادها را از زمینه‌های فرهنگی که در جامعه وجود دارد؛ استخراج می‌کنند؛ از این رو طبقاتی از مردم برای درک آن آمادگی بیشتری دارند. به هر حال در نماد، معمولاً یک قرینه فرهنگی مطرح است. مثلاً در این شعر نیما «شب قورق باشد بیمارستان» ظاهراً بیمارستان نماد ایران و جامعه ایرانی عصر شاعر است. بیمارستان در فرهنگ ما با سکوت و بدبختی و گرفتاری همراه است. گاهی زمینه نماد، سنن ادبی و تلمیحات است. مثلاً گندم با توجه به تلمیح گندم خوردن آدم و حوا می‌تواند نماد بلایه و بدبختی باشد و یا سلیمان که نماد هیبت است؛ اما به طور کلی، نماد حد و حدودی ندارد و نویسنده به مناسبات بحث خود هر چیزی را می‌تواند تبدیل به نماد کند؛ چنان‌که مولانا کرده است و خواننده باید به قراین معنوی، متوجه نمادهای او بشود. (ر.ک. رضایی جمکرانی، ۱۳۷۸: ۱۲).

حرف قرآن را زیرین معدن‌اند خرنه‌بند و به پالان برزند

(مولانا، ۱۳۸۴: ۲۰۹)

خر که معمولاً نماد تن یا کند فهمی است، در اینجا نماد اصل و باطل است و پالان را نماد ظاهر و فرع قرار داده است. (ر.ک. شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۱۳).

## ابهام

ابهام (Ambiguity) در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و با ابهام (Equivoque) ارتباط چندانی ندارد. در تعریف ابهام گفته‌اند: «ابهام یعنی به گمان افکندن که آن را به چند اسم دیگر (توریه، توجیه، تخییل، توهیم) نیز خوانده‌اند، در تعریف ابهام گفته‌اند که لفظ، دارای دو معنی حقیقی یا مجازی باشد؛ یکی قریب، یعنی نزدیک به ذهن که ظاهر لفظ بر آن دلالت کند و دیگر غریب، یعنی دور از ذهن که ظاهر لفظ بر آن دلالت نکند و فهم آن محتاج به لطف طبع و ذوق دقیق باشد و ذهن شنونده، ابتدا به طرف معنی نزدیک (قریب) رود، اما مقصود گوینده، معنی دور (غریب) باشد» (همایی، ۱۳۷۳: ۴۶). اما باید توجه داشت که اگرچه ابهام نتیجه تعبیه دو معنا در کلام است، اما ابهام نتیجه عوامل گوناگونی است که به واسطه قرابت لفظی با ابهام، گاهی در تعاریف، کنار آن ذکر می‌شود، به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: ابهام (در شعر) پیچیدگی معنای شعر است به دلایل گوناگون. در کتاب‌های زیباشناختی سخن فارسی، درباره ابهام، توضیح چندانی داده نشده و آنچه هست به‌طور مختصر چنین می‌نماید: «ابهام آن است که عبارتی را بتوان دو گونه خواند، به صورتی که با هر نوع خواندن یک معنای تازه داشته باشد» (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). «از آغاز ادبیات تا قرن بیستم، وجود ابهام در متن ادبی، چندان خوشایند به نظر نمی‌آمده و در نظر بلاغیان پیشین تا حدودی به‌عنوان یک اصطلاح تحقیرآمیز به کار می‌رفته است. این جهت‌گیری علیه حضور دو یا چند معنی در یک تعبیر، بازتاب کلی تمدنی بوده است که به‌طور سنتی از روزگاران یونان باستان ایمانش را بر دریافت‌های عقل و اعتقاد به نظم هستی، بنا نهاده و معناداری کلام را بر اساس انطباق آن با واقعیت بیرونی سنجیده است؛ اما از قرن بیستم، معنای زندگی شروع به تغییر کرده و در پی آن ذائقه بشر و ذوق زیبایی‌شناختی مدرن به کلام، چند وجه و چند چهره مشتاق‌تر شده و از خواندن متون مبهم، لذت بیشتری می‌برد، در نتیجه، ابهام در آثار هنری ارزش جدی‌تری پیدا کرده و

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده شرح دشواری‌ها و تفسیر ابهام‌ها، جای خود را به خواندن برای کشف معانی متعدد داده است، تا جایی که رازناک شدن زبان ادبی و چندلایگی معنا برای متن، امتیاز به حساب می‌آید و راز ادبیت متن در عمق ابهامی است که دامنه معانی متن را گسترش می‌دهد و زمینه تأویل‌های بیشتر را فراهم می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۸).

ابهام یکی از فرآیندهای مهم و در عین حال کلیدی شعر معاصر ایران است. این سخن هرگز بدان معنا نیست که شعر گذشته ما ابهام نداشته، بلکه در شعر سنتی فارسی، ابهام بیشتر به شکل عمدی و عارضی اتفاق می‌افتد، حال آنکه در شعر امروز، ابهام یک ضرورت برای کشف دنیای جدید و از منظری دیگر، نتیجه همین دنیای پیچیده است، چراکه با فردی شدن جریان شعر و به طبع، تمام عناصر آن، شعر دیگر نمی‌تواند به مقوله‌های از پیش تعیین شده وزن، قافیه، صور خیال، مناظر و به‌ویژه مضامین شعر کهن، تن در دهد و در پی نگاهی تازه به هستی است و همین امر شعر را به ابهامی طبیعی و گاه غیرطبیعی سوق می‌دهد. این مسأله، زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که بدانیم یکی از بزرگ‌ترین اتهاماتی که از بدو شکل‌گیری شعر امروز، متوجه آن بوده و کمابیش در طول زمان، پررنگ‌تر هم شده است، موضوع ابهام است که به گمان برخی، از ملزومات جهان معاصر و افق‌های نظری این عصر و به گمان گروهی، نقطه ضعف یک شعر در مخاطب‌گزینی و حضور در میان مردم است. باید گفت ابهام، همیشه یک معضل یا مشکلی کاذب نیست، همان‌گونه که پیچیدگی‌های علمی هرگز بیهوده تلقی نمی‌شوند. در دنیای مدرن، ابهام با ذات هنر عجین و مأنوس است، اما تشخیص ابهام راستین و طبیعی از ابهام تصنعی و کاذب، وظیفه اصلی منتقدان است.

به‌طور کلی در شعر فارسی سه نوع ابهام یافت می‌شود:

الف- ابهام عارضی: همان چیزی است که به فراوانی در شعر فارسی وجود دارد؛ مانند ورود اصطلاحات علمی، آداب و رسوم و ... .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با فاصله اندک، جنگ تحمیلی آغاز شد و این رویکرد به حماسه عاشورا، رنگ و رونق بیشتری یافت. امام خمینی به‌عنوان رهبر این جهاد مقدس برای ملت یادآور امام حسین (ع) و حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی آن حضرت بود

و مفاهیمی همچون: سازش نکردن با ستمگر، شهادت طلبی، مرگ با عزت برتر از زندگی با ذلت، وفاداری و جان‌نثاری و... باعث شد تا در شعر شاعران هم نمادها با نمادهای عاشورایی پیوند بخورند:

تن رود / در برهوت / بستری بود / طبیب سنتی ابر / بغض زمین را / به بازی تازه‌ای نمی‌گرفت / و تراخم تبخیر / چشم اقیانوس را / از تباهی می‌انباشت / کسی به تفسیر کویر / بر نمی‌خواست / تقصیر از کدام گلو بود؟ / وقتی / کنار شریعه پولاد / -خطاب به تاریخ - / گلوبی تازه‌تر می‌شد / و خیمه‌گاهی بلند / در حریق دامنه‌دار سکوت / به غارت رفت. (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۶).

ب- ابهام عمدی: آن است که گوینده به واسطه دخالت مستقیم برای پنهان کردن معنا، در آن تعقید ایجاد می‌کند.

صفار زاده در شعر «سفر هزاره» که به یاد علی شریعتی و مجاهدت‌های او سروده، سفره‌های ذهنی هزاره‌های گذشته و مقایسه زمان‌های پیش از اسلام را برای شناخت اسلام شرح می‌دهد:

و در هزاره خشکی / خشکسالی / آذوقه را / کنار مرده نهادند / و نقش ظرف / عقابی که خم شده ست / که طعمه را بردارد / و نقش ظرف / نقشه فرداست / فردا که روز از نو / روزی از نو / من نیستم / اما کلاغ داغ دلم / مرغی خواهد شد / و از محاصره دیوارها / خواهد رست / و شعر بودن / چگونه بودن / چگونه باید بودن را / دوباره / باز / همواره / خواهد خواند / (صفار زاده، ۱۳۸۴ ب: ۸۶).

ج- ابهام غیرعمدی یا طبیعی: فرآیندی است که ضرورت‌های شعر، آن را ایجاد می‌کند و نقش منفی ندارد، بلکه یکی از ویژگی‌های تمام شاهکارهای جهان به شمار می‌آید.

از پرکاربردترین نمادهایی که در شعر شعرای معاصر به وضوح دیده می‌شود نماد «شب» است که گاه به تنهایی و گاه در قالب ترکیبی تازه به چشم می‌خورد. هراتی در شعر «هزار آوار» ترکیب «شب‌نشین» را با مفاهیم مردم دچار خفقان، اهل بدی و گناه، افراد مورد ظلم و ستم و اهل غفلت و گمراهی آورده است.



بررسی و مقایسهٔ نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده  
آی شمایان شب‌نشین/ که نغمه قبیحی/ به خوش رقصیتان وامی‌دارد/ و تنتان/ گرم مستی  
جرعه بد بویی است/ که خوک‌های خوش‌سلیقه/ در آن تف کرده‌اند. (هراتی، ۱۳۸۰: ۶۱).  
از میان تقسیم‌بندی‌ها و نظریه‌هایی که منتقدین در مورد ابهام، ارائه کرده‌اند،  
«تقسیم‌بندی «امپسن» دقیق‌تر و جزئی‌تر به نظر می‌رسد. وی ابهام را در هفت گروه،  
طبقه‌بندی کرده است» (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

۱- وقتی که یکی از اجزای جمله به‌طور هم‌زمان چند معنی می‌دهد.

وقتی / طوفان تازیانه/ بر مآذنه‌های ناآرام / فرود آمد/ در کوره‌های داغ، داغ‌های  
مکرر/ خشت کدام واقعه/ می‌پخت؟/ و کدام شهاب ثاقب/ بر تصورات شب غالب/ خط  
بطلان می‌کشید؟ (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۴). داغ در سروده بالا ابهام دارد.

۲- وقتی که دو یا چند معنای قابل‌جانمایی در یکدیگر ادغام می‌شوند تا پیچیدگی  
وضعیت ذهنی نویسنده را عیان کنند؛ به عبارت دیگر چند بدیل که در نهایت به‌طور  
کامل به یک معنی منتهی می‌شوند.

نماز اصل است/ و اصل اصل/ ایمان استوار به غیب است/ آن رشوه‌خوار/ آن مال  
مردم خوار/ آن دروغ‌گوی ستمکار/ چگونه در مراوده با توحید/ چگونه در مخاصمه با  
کفر است/ ثقل فریب زمین/ جاذبه‌ای لغزاننده است/ خلاف‌کاران را/ از دستگیره‌های نور/  
محروم می‌کند (صفارزاده، ۱۳۸۴ ب: ۲۹). «نور» معانی فرامین الهی، معنویت، فضایل  
و صفات خوب، معرفت، حقیقت و راه روشن را می‌رساند، اما قرینه صارفهٔ  
«دستگیره‌ها» جلوی نماد شدن آن را می‌گیرد.

۳- وقتی که دو معنای کاملاً بی‌ربط، هم‌زمان ارائه می‌شوند.

سلمان هراتی در شعر «دوزخ و گردو» با وطن خود شروع به صحبت می‌کند و آن  
را چنین می‌سراید: ای شکیبایی شکوهمند/ چندین تابستان است/ که در خون و آفتاب  
می‌رقصی/ کجای زمین از تو عاشق‌تر است/ ای چشم‌انداز روشن خدا/ در کجای جهان/  
این همه پنجره برای تنفس باز شده است (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۹).

در این شعر «تنفس» نماد اجتماعی-سیاسی است که نماد «پنجره» هم برای کمک  
رساندن در القای معانی آن آمده است. «پنجره» در بردارندهٔ مفاهیم دهان، راه‌های

ارتباطی و شیوه‌های مختلف است و «تنفس» می‌تواند نماد آزادی، انتقاد، شرایط مطلوب، عدالت، زندگی راحت، ارتباط و فعالیت‌های سیاسی باشد.

۴- وقتی که دو معنای جانشینی جمع می‌آیند تا پیچیدگی وضعیّت ذهنی نویسنده را عیان کنند؛ به عبارت دیگر دو یا چند معنا که با یکدیگر سازگار نیستند، برای روشن کردن‌های ذهن مؤلف با هم ترکیب شوند.

تو ساکن «جزیره سرما» هستی / دیدارهای سرد / رفتارهای خنجری جهل / و این بخاری خاموش / چیزی برای میل نیست / این عکس و صندلی و پرده / این هم‌نشینی ناباب / با اذن تو / در این اتاق اقامت نکرده‌اند. (صفار زاده، ۱۳۸۴ الف: ۸۶). «جزیره سرما» از نمادهای ابتکاری و اختصاصی صفار زاده است.

۵- نوعی سردرگمی ناشی از اینکه نویسنده در جریان آفرینش اثر به فکر مطلب تازه‌ای افتاده است؛ یعنی پیشاپیش با آن موضوع یا نظریه آشنا نبوده و در فرآیند خلق اثر به آن دست یافته است.

مردان جبهه چه حال و هوایی دارند / چه سربلند و بانشاط می‌ایستند / برویم سربلندی بیاموزیم / آی با شمایم / چه کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟ / بیا / برای هواخوری / به جنگل‌های مجاور جبهه پناه ببریم (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۶).

با توجه به مضمون و محتوای شعر که در مورد جبهه و جنگ است، «جنگل» نماد جای دور از جنگ، تفریحگاه و جایی است که از دور دستی بر آتش دارد. «جنگل» هم چنین نماد اندیشه و ذهن، عظمت و بزرگی، کشور و سرزمین، غرور، جامعه و زندگی اجتماعی و سرسبزی همیشگی آن، نماد تداوم زندگی است.

۶- کلام متناقض و نامربوط که خواننده را وامی‌دارد تا برای آن تفسیری بیافریند.

ای نای زخمی / ای سینه تنگ / ای در فصول زرد با دامانی از درد / چونان شباهنگ / افشانده بذر نغمه‌های پاک بر خاک / هم در شبان تیره و سرد (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۷).

حسینی در این شعر که خطاب به «شیعه» سروده شده، از تصاویر غم‌انگیز و دردآلود و عناوینی چون نای زخمی و سینه تنگ برای توصیف استفاده کرده و به اقتضای کلام،

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده کنایه رمزی «زرد» را هم با مفهوم سخت و دردناک، کاملاً متناسب با فضای شعر به کار برده است.

۷- تناقض واضح و کامل که نشان می‌دهد نویسنده درباره آنچه گفته است، دیدگاه روشنی ندارد. (حمید رفیعی، ۱۳۶۸: ۳۰).

تا تیز سمند عشق را زین کردند/ شب را به دم ستاره نفرین کردند/ اوراق کتاب  
عمرشان گرچه گسست/ دیباچه سرخ عشق تدوین کردند (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۹).

«شب» شامل معانی جهل، یأس، ظلم و ستم، رخوت، بی‌عدالتی و ... و «ستاره» هم می‌تواند معانی متضاد «شب» را القا کند؛ مانند هدایت، امید، آرامش، تلاش و حرکت، عدالت و ... اما هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتد که کسی شب را به حضور ستاره نفرین کند، چراکه در عالم واقع ستاره، زیبایی بخش شب است نه باعث نابودی آن. اگرچه تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای ابهام ارائه شده و عوامل مختلفی همچون ابهام ذاتی، مانع‌تراشی برای ایجاد درنگ در خواننده، ایجاد مانع در ورود اغیار به فضای شعر، سبقت گرفتن ذهن و اندیشه شاعران از کلمات، ایجاز، نابهنجاری نحوی، ورود مسائل جدید علوم، مرگ مؤلف، نداشتن آگاهی از تلمیحات و زمینه‌های تاریخی خاص، آشنایی‌زدایی لفظی و معنایی، بهره‌گیری از بیان روایی، فردی شدن جریان شعر و باستان‌گرایی را سبب ایجاد آن دانسته‌اند؛ اما آنچه که هدف همه این رده‌بندی‌ها و شناخت عوامل و عناصر است و اگر نباشد، حتی می‌توان ابهام را نکوهیده دانست، جنبه هنری آن است؛ یعنی اینکه ابهام موجب بن‌بست متن نشود، بتواند پنجره‌ها و افق‌های تأویل را به روی خواننده بگشاید، واکنش‌های شگفت و جالب در او برانگیزد و عطش او را برای تدارک توجیحات معنایی متن زیاد کند. ابهام هنری ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

۱- داشتن فحوای معناشناختی: یعنی متن شواهدی از معناداری را ارائه می‌کند و با آن که گنگ و مبهم می‌نماید؛ اما پوچ و تهی نیست، بلکه محتوای آن پوشیده و چندلایه است. این خصلت، مخاطب را برمی‌انگیزد و با فحوای خود درگیر می‌کند.

۲- پاشیدگی و تودرتویی معنایی: معانی چندلایه و گاه متناقض که بر سراسر متن پاشیده شده، با هم مرتبط و متداخل هستند؛ به گونه‌ای که بر هم تأثیر می‌گذارند و مانع مشخص شدن معنی قاطع و یگانه می‌شوند؛ حتی از تفسیری به تفسیر دیگر فرق دارند.

۳- کوری و بصیرت: هر عنصر ابهام‌آفرین در متن ادبی، نخست خواننده را دچار سرگستگی و کوری می‌کند؛ البته نه آن‌چنان که او را از متن برهاند؛ بلکه به تلاش و امی دارد تا پس از آن کوری، به بصیرتی عمیق در مکاشفه معانی متعدّد و محتمل برسد.

۴- تأویل‌پذیری: متن ادبی مؤثر، اصالت خود را مرهون آفرینش معانی متعدد و گسترش سطوح معنا است، یکی از تفاوت‌های جدی اثر ادبی با اثر زبانی در همین تکرار معنی است. غنا و ژرفای ادبی متن و آفرینش گستره‌های معنایی، نتیجه پوشیدگی و ابهام است. از این رهگذر، با سهیم ساختن خواننده در آفریدن معنا، نوعی تعامل میان مخاطب و متن صورت می‌گیرد. ابهام امکاناتی را برای ژرف‌نگری و واکنش‌های خواننده فراهم می‌کند و خواننده را از محدوده متن و مرزهای آن فراتر می‌برد و آزادی اندیشیدن را به ارمغان می‌آورد. تعامل متن و خوانندگان در طول تاریخ به واکنش‌های گوناگون و گفتگوهای متعدد نسل‌های متفاوت با متن می‌انجامد که از آن به پویایی اثر ادبی تعبیر می‌کنند.

۵- تنش اندیشه با صور بلاغی: جدال و کشمکش میان ظاهر کلام و قراین بازدارنده معانی، موجب تولید معانی مجازی و متناقض در متن می‌شود، در نتیجه این تنش، کلاف درهم‌پیچیده‌ای از معانی پدید می‌آید که هیچ‌کدام بر دیگری ترجیح ندارد و قرینه کافی برای گزینش یکی از آن معانی موجود نیست.

این سردرگمی که هم برای گوینده و هم برای خواننده رخ می‌دهد، معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که متن به دلیل بازی با صناعات بلاغی، منطق خود را از دست می‌دهد. این مشخصه‌ها ابهام هنری را از دشواری‌های زبانی و مسأله‌های علمی متمایز می‌کند در نتیجه، ابهام هنری، جوهره ادبیات ناب و ماندگار است و برای متن ادبی ارزش و فضیلت محسوب می‌شود و اگر آن را از ادبیات بگیرند ژرفای آن تقلیل می‌یابد. لازم

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده است بدانیم، ابهام و وجوه معنایی متعدد، اگرچه برای متن ادبی، فضیلت است، اما در یک قطعهٔ زبانی که نقش رسانگی دارد، نقص محسوب می‌شود (ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۷: ۲۸)

## ۲-۲. نماد و ابهام

نگاهی دقیق به آنچه در مباحث گذشته راجع به تعریف نماد، ویژگی‌ها و انواع آن ارائه کردیم، نشان می‌دهد که نماد، تمام ویژگی‌های ابهام هنری را داراست و می‌توان آن را یکی از انواع ابهام و یا عوامل اصلی ابهام‌زا در شعر به شمار آورد. از آن‌جا که نماد، بنا به طبیعتش، اساساً مبهم و چند پهلوست و به طبع، موجب عمق‌بخشی و پویایی اثر ادبی است، شاعران به ویژه شاعران امروز، در پی آنند که نمادها و تعبیر نمادین را در آثارشان به کار گرفته و یا حتی نمادسازی کنند. آنچه که محصول این تلاش در گسترهٔ این پژوهش است، مقولهٔ نمادهای حقیقی و موارد نزدیک به آن، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا است که ذیلاً به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

## ۲-۳. نمادهای حقیقی

نماد حقیقی، همان است که از آن با عنوان نماد یاد کردیم و اگر با صفت «حقیقی» همراه شده، صرفاً جهت تأکید و نیز خط قرمزی برای تفکیک از دو گروه دیگر است؛ بنابر این، نماد حقیقی از منظر بلاغی که مورد توجه ما در این پژوهش است، عنصری بلاغی است که علاوه بر معنی ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده، القا می‌کند؛ پس چندمعنایی بودن و ابهام از ویژگی‌های اصلی آن محسوب می‌شود.

## ۲-۴. کنایه‌های رمزی

قدما کنایات را به لحاظ وضوح و خفا به چهار دسته تلویح، ایما، رمز و تعریض تقسیم کرده‌اند و کنایه‌هایی را رمزی می‌دانند که وسایط در آن‌ها خفی است؛ یعنی نمی‌توانیم وسایط را دریابیم و در نتیجه، انتقال از معنی ظاهر به باطن، دشوار و گاهی غیرممکن است؛ لذا در این مورد باید رمز را به عنوان یک نشانه و یا یک لغت، تلقی کرده و معنی آن را بیاموزیم. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۴۸).

محمدرضا شفیعی کدکنی هم کنایه رمزی را این چنین تعریف می‌کند:

«وسایط کم باشد ولی معنی و مقصود اصلی، پوشیده باشد از قبیل عریض الوساده (پهن بالش) به کنایه از کودنی و بلاهت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). آنچه در بیشتر کتب بلاغی قدیم و جدید راجع به کنایات رمزی آمده، مطلبی بیشتر و فراتر از تعاریف فوق نیست تا جایی که مثال‌های ارائه شده هم غالباً تکراری و از پنج یا شش مورد تجاوز نمی‌کنند و عبارت‌اند از آب دندان، دراز بالا، عریض القفا، عریض الوساده، عریض الرأس. همگی کنایه از انسان احمق و نادان هستند، متناسب‌الاعضا، کنایه از انسان باهوش و با زکاوت و دندان‌گرد، کنایه از حریص. علاوه بر ابهام‌گرایی و به کارگیری معانی پنهان و متعدد، اکراه و پرهیز شعرای معاصر از به‌کارگیری عناوین سنتی مانند کنایه، می‌تواند از دلایل گرایش به کنایات رمزی و اصرار بر نماد جلوه دادن آن‌ها باشد؛ لذا پژوهشگر در نظر دارد، این کنایات را در اشعار هراتی، حسینی، صفار زاده، هرچند متفاوت با شواهد کتب بلاغی، اما منطبق بر تعریف ارائه شده، شناسایی کرده و ارائه کند. اگرچه تعداد این کنایات اندک‌اند، اما اگر گستره رنگ‌هایی را که شاعران در چارچوب تعریف کنایات رمزی به کار گرفته‌اند به آن‌ها بیفزاییم، تعداد قابل‌توجهی را به خود اختصاص می‌دهند.

مثال:

دنیا در بستر نیرنگ آرمیده است / اریستو کراسی، با جلیقه مخمل / بر پله‌های سازمان  
ملل / بار انداخته است / و به دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند. (هراتی، ۱۳۸۰: ۹۴)  
در این شعر، محتوا و مضمون و همچنین نمونه‌های به کار گرفته شده «زیتون»  
توسط دیگر شعرا، ما را به کنایه «برگ زیتون» که حاوی مفهوم صلح و آرامش است،  
راهنمایی می‌کند؛ اما از آنجا که وسایط خفی است و علت قرار دادن چنین معنا و  
مفهومی برای آن مشخص نیست، آن را جزو کنایات رمزی محسوب می‌کنیم.  
عید، «حول حالنا» است / که واجب است بفهمیم / عید، شوقی است / که پدرم را به  
مزرعه می‌خواند / عید، تن‌پوش کهنه باباست / که مادر / آن را به قد من کوک می‌زند / و  
من آن قدر بزرگ می‌شوم / که در پیراهن می‌گنجم / عید، تقاضای سبز شدن است / یا  
مقلّب القلوب. (همان: ۲۰۹).

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده «سبز» کنایه رمزی از پاک، مقدس و تغییر حال است.

از نان مگو / فکر ایمان / دندان را می شکست / و سوءهاضمه / از دو سو بیداد می کرد /  
علف / افسانه‌های هرزه می گفت / اوقات سبز باغ / با قصه‌های زرد / تلف می شد (حسینی،  
۱۳۸۶: ۲۱).

با توجه به این که در این شعر «باغ» استعاره از مردم و جامعه است، به راحتی می توان  
فهمید که شاعر «سبز» را به عنوان کنایه رمزی از معانی مفید و شاد، آورده است.  
ای نای زخمی / ای سینه تنگ / ای در فصول زرد با دامانی از درد / چونان شباهنگ /  
افشانده بذر نغمه‌های پاک بر خاک / هم در شبان تیره و سرد. (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۷).

حسینی در این شعر که خطاب به «شیعه» سروده شده، از تصاویر غم‌انگیز و دردآلود و  
عناوینی چون نای زخمی و سینه تنگ برای توصیف استفاده کرده و به اقتضای کلام، کنایه  
رمزی «زرد» را هم با مفهوم سخت و دردناک کاملاً متناسب با فضای شعر به کار برده است.  
ما ساکنان واقعه بغضیم / ای بغض‌های ساکت / و ای شقیقه‌های شکسته / ما  
دل‌شکسته‌ایم / ما بازماندگان / این استخوان کوفته / این درد استخوان / از جبر هم‌جواری  
بی باوران / ما را کنار خاک نشانده / شما بلند پروازید / شما خود پروازید / و ما در زیر  
این همه آوار / فلج شدیم و زمین گیر (صفار زاده، ۱۳۸۴ الف: ۴۵).

«خاک» کنایه رمزی از تعلقات مادی و وابستگی هاست.

من از تصرف ودکا بیرونم / و در تصوف بیداری هستم / تصرف عدوانی را رایج  
کردند / تصرف عدوانی / سرنوشت خانه ما بود / سرنوشت ساکنان نجیب / فاتح که کوه  
نور به موزه می آورد / به شهر من شب را آورد / به ساکنان خانه / سپردم که شب به  
خیر بگویند / وگرنه در سکونتشان اختلاف خواهد بود / به روح ناظر او، شب به خیر  
باید گفت / به او / به مادر من / زنی که پیرهنش رنگ‌های خرم داشت / من از سپید و  
صورتی و آبی / آمیختن را دوست می دارم / رنگ بی رنگی / رنگ کامل مرگ (صفار  
زاده، ۱۳۸۴ ب: ۴۵).

سپید و صورتی و آبی کنایه رمزی از پاکی و بی تعلقی هستند.

## ۲-۵. استعاره‌های نماد نما

استعاره‌هایی هستند که به دلیل بکارت، تردید معنایی، داشتن پشتوانه معانی جدید با توجه به معنای سنتی و داشتن ظاهر استعاره‌ای یعنی مدنظر نبودن معنای حقیقی و ظاهری اما معانی مجازی متعدد، خواننده را به مرز شک به نماد می‌برند و به‌طور کلی به دودسته تقسیم می‌شوند:

الف) نمادهایی که گره‌گشایی شده‌اند.

گاهی شاعر با دستپاچگی، نمادی را که به کار برده، تشریح و مفاهیم پنهان آن را آشکار می‌کند؛ در چنین حالتی، حرکت ذهن مخاطب که در رویارویی با یک نماد، درگیر جستجوی معانی و غوطه‌ور شدن در ابهامات حاصل از آن بوده، کند شده و به مسیر مشخصی هدایت می‌شود.

با توجه به اینکه مفاهیم و تعاریف ثوری در این باب، چندان راهگشا نیستند، سعی می‌کنیم با مثال‌ها و نمونه‌های عملی، استعاره‌هایی نمادنا را بهتر معرفی کنیم.

امسال سال موش است / سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی / و نیرنگ را / در محضر موش اعظم تلمذ کردی / دلت مثل پستو تاریک است / می‌دانم / و واحدهای درس «نداریم» را / تمام کرده‌ای / الهی هرچه در پستو داری، زنگ بزند / مثل دلت که زنگ‌زده است / و مثل تریاک قهوه‌ای شده است. (هراتی، ۱۳۸۰: ۹۶).

در این شعر، کلمه «موش» در ابتدا برای خواننده، نماد است؛ چون علاوه بر این که می‌تواند در واقعیت اتفاق بیفتد؛ یعنی سال موش باشد. مجموعه‌ای از معانی مانند حرص، فرومایگی، مرگ و... را در بردارد؛ اما عنوان شعر یک‌قلم ناسزا به محتکر قریه الی الله و توضیحاتی که شاعر بعد از آن می‌آورد و محتکر را مستقیماً مخاطب ناسزای خود قرار می‌دهد، ابهام را از «موش» برمی‌دارد و مشخص می‌کند که تنها استعاره از محتکر است.

هشدار که باغ شوره‌زاران نشود      این خانه مکان لاش خواران نشود  
میراث گران بار شهیدان، هشدار      بازیچه خیل بی تباران نشود

(حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۰)



بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده  
بیت دوم، ابهام را از «باغ» در بیت اول برداشته و معنی آن را روشن کرده است؛  
بنابر این «باغ» استعاره از انقلاب و یا امنیت حاصل از فداکاری شهداست.

لب‌های تشنه فاصله دارند / با چشمه‌های آب / این تشنگی / برای عدالت برای حق / از  
کربلا حرکت کرده و مویه‌کنان / از قرنی به قرن دگر می‌رود. (صفارزاده، ۱۳۸۴ ج: ۷۰).

در این شعر هم «چشمه‌های آب» می‌تواند مفاهیم زیادی مثل ایمان، حق و حقیقت،  
شعائر مذهبی، عدالت و ... را در بر بگیرد. در عین اینکه وقوع خارجی فاصله داشتن  
لب‌های تشنه از امکان‌پذیر است؛ اما وقتی شاعر، نوع تشنگی (برای عدالت، برای حق)  
را برای خواننده مشخص می‌کند، به طبع چشمه‌های آب هم بار نمادین خود را از دست  
داده و استعاره از عدالت و حق می‌شود.

ب استعاره‌هایی که به نماد نزدیک می‌شوند.

این گروه به لحاظ بسامدی، قابل مقایسه با گروه اول نیست و تعداد بسیار زیادی از  
استعاره‌های نماد نما را به خود اختصاص می‌دهد، این دسته از استعاره‌ها آن‌هایی هستند  
که به لحاظ چند معنایی بودن و ابهام، خود را به نماد نزدیک کرده‌اند و تنها قرینه صارفه  
ای که نشان از عدم وقوع خارجی آن‌هاست، آن‌ها را از نماد شدن بازمی‌دارد:

تو را دوست می‌دارم / و بهشت‌زهرایت را / که آبروی زمین است / و میدان‌های تو /  
که تراکم اعتراض را حوصله کردند / و پشت‌بام‌های تو که مهربان شدند / تا من «کوکتل  
مولوتف» بسازم / و درخت‌های تو که مرا استتار کردند / و مسجدهای تو / که مرا به دریا  
مربوط کردند. (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۰).

«دریا» در اینجا مفاهیم خداوند، حقیقت، عظمت و بزرگی، انسان‌های بزرگ و  
حتی جبهه را می‌تواند القا کند؛ اما اینکه مسجد، کسی را به دریا مربوط کند در عالم  
واقع امکان‌پذیر نیست؛ بنابر این «دریا» استعاره‌ای نمادین است.

نشاط سرودهایم را حفظ می‌کنم / میان آفتاب و مردم راه می‌روم / و ترانه‌هایم را که  
از امید سرشارند / در جیبشان می‌ریزم / در سبدهای خالی‌شان / در دلشان / و دفتر  
لبخندهایم را / با مردم کوچه و خیابان / ورق می‌زنم / با کودکان امسال / مردان سال‌های  
دیگر / که منشور تحقق آفتاب را / در سرانگشتان خویش دارند (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۴۰)

سلمان هراتی در این شعر، ظهور افرادی را به انتظار نشسته که باعث تحقق حقیقت، آزادی، عدالت، تفکر نو و آینده روشن می‌شوند. واضح است که گستره معنایی «آفتاب» تفاوتی با نماد ندارد، اما اینکه منشور تحقیقی برای آفتاب وجود داشته باشد، تصویری مجازی است.

وقتی طوفان تازیانه/ بر مآذنه‌های ناآرام / فرود آمد/ در کوره‌های داغ- داغ‌های مکرر- خشت کدام واقعه می‌پخت؟/ و کدام شهاب ثاقب/ بر تصورات شب غالب/ خط بطلان می‌کشید؟ (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۴).

«شب» می‌تواند اشاره به دستگاه حکومت، جامعه دچار خفقان، عوامل محدودیت زا و سران ظلم و فساد باشد؛ اما این که شب دارای تصورات باشد، غیرمعقول و غیرواقعی است.

تا تیز سمند عشق را زین کردند/ شب را به دم ستاره نفرین کردند/ اوراق کتاب عمرشان گرچه گسست/ دیباچه سرخ عشق تدوین کردند.

«شب» شامل معانی جهل، یأس، ظلم و ستم، رخوت، بی‌عدالتی و... و «ستاره» هم می‌تواند معانی متضاد شب را القا کند؛ مانند «شب» هدایت، امید، آرامش، تلاش و حرکت، عدالت و افتد که کسی شب را به حضور ستاره نفرین کند، چرا که در عالم واقع ستاره، زیبایی بخش شب است نه باعث نابودی آن. حضور ستاره نفرین کند، چرا که در عالم واقع ستاره، زیبایی بخش شب است نه باعث نابودی آن.

نماز اصل است / و اصل اصل / ایمان استوار به غیب است / آن رشوه‌خوار / آن مال مردم خوار / آن دروغ‌گوی ستمکار / چگونه در مراوده با توحید / چگونه در مناصمه با کفر است / ثقل فریب زمین / جاذبه‌ای لغزنده است /

خلاف‌کاران را / از دستگیره‌های نور / محروم می‌کند (صفرار زاده، ۱۳۸۴ ب: ۲۹).

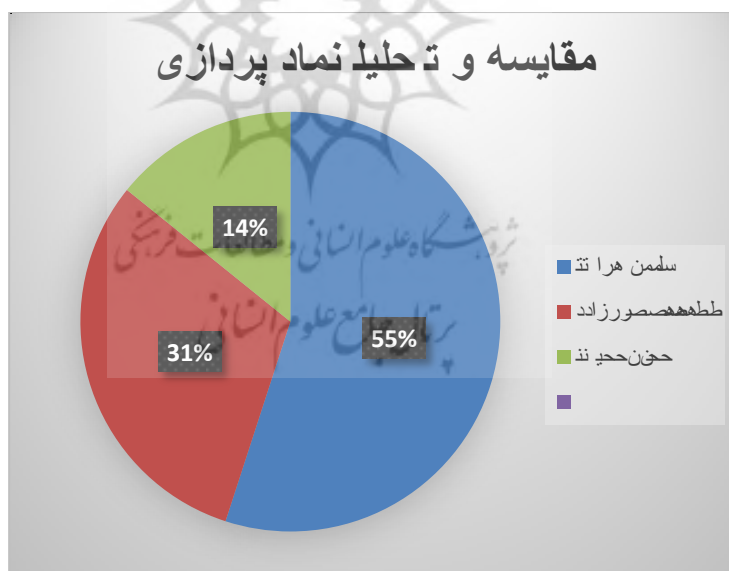
«نور» معانی فرامین الهی، معنویت، فضایل و صفات خوب، معرفت، حقیقت و راه روشن را می‌رساند؛ اما قرینه صارفه «دستگیره‌ها» جلوی نماد شدن آن را می‌گیرد.

در این شب سپیدتر از روز / روزآفرین دقایق معنا / بیتوته / آب پاک‌کننده است / که تا سحر، گرد و غبار خاطر شب‌زنده‌دار را / از این جهان کهنه و آلوده / در نهر بی‌نهایت

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده خود می‌شوید (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۷۸). «گرد و غبار» در این شعر به معنای خستگی، وابستگی و تعلق، ناراحتی‌ها و دغدغه‌ها و موانع و حجاب‌هاست؛ اما گرد و غبار گرفتن، خاص اجسام و مادیات است نه خاطر شب‌زنده‌دار که از مجردات محسوب می‌شود.

### ۳. مقایسه و تحلیل سه شاعر به لحاظ نمادپردازی

بررسی نشان می‌دهد که جنسیت عامل موثری بر نمادپردازی نیست؛ چنان که بر اساس آمار نمادپردازی، سلمان هراتی با ۵۵٪ در رده اول، طاهره صفارزاده با ۳۱٪ در رده دوم و حسینی با ۱۴٪ در رده آخر نمادپردازی قرار دارد. می‌بینیم که صفارزاده به عنوان تنها شاعر زن در این پژوهش، رتبه دوم نمادپردازی را به خود اختصاص داده و حتی در برخی موارد، مانند نمادهای تاریخی و اسطوره‌ای و یا نمادهای اجتماعی که حاصل افکار و دغدغه‌های اجتماعی وی است، پیشرو هراتی است؛ لذا جنسیت نمی‌تواند عامل تعیین کننده‌ای در این مسیر باشد و همه چیز بسته به رویکرد و سبک شعری شاعر است.



#### ۴. نتیجه‌گیری

«نماد» اصطلاحی مشترک در عرصه دانش‌های گوناگون است؛ اما از منظر علوم بلاغی که محور اصلی این پژوهش است، کلمه، عبارت و یا جمله‌ای را گویند که علاوه بر معنی ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا کند؛ از این رو چند معنایی بودن و ابهام از ویژگی‌های متون نمادگراست. ناتوانی زبان معیار، جهت انعکاس اندیشه‌های غامض عرفانی، گریز از بیان مستقیم اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و سرانجام دغدغه مشارکت خواننده در جریان خلق آثار ادبی و ابهام‌گرایی، انگیزه‌های اصلی گرایش به نماد و نمادپردازی است؛ بنابر این از دیرباز، نماد و نمادپردازی در ادب فارسی، به ویژه در گستره شعر فارسی، ظهور و بروز ویژه‌ای داشته است. در ادبیات معاصر، علاوه بر عوامل مذکور، ظهور و بروز مکاتبی که گرایش خاص به ابهام دارند، توجه به نمادپردازی را افزون‌تر کرده است تا جایی که امروزه، نماد به یکی از عناصر اصلی شعر معاصر مبدل شده و بدون تأویل و تفسیر آن، فهم شعر ناممکن است؛ لذا بر آن شدیم تا نماد را با توجه به حوزه‌ی علایق و مطالعات خود، یعنی شعر معاصر و اختصاصاً شعر انقلاب و جنگ، در اشعار سه تن از برجستگان این حوزه (هراتی، حسینی و صفارزاده) مورد بررسی قرار دهیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نماد، تمام ویژگی‌های ابهام‌هنری را داراست و می‌توان آن را یکی از انواع ابهام و یا عوامل اصلی ابهام‌زا در شعر به شمار آورد؛ اما تلاش شاعران برای نزدیک شدن به نماد و نمادپردازی، ما را بر آن داشت که به بررسی نمادهای حقیقی و دو مقوله نزدیک به آن، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا پردازیم.

در بررسی نماد از دیدگاه میزان ابهام، نمادهای حقیقی، نماد مطابق با تعریف اصلی خود و موارد نزدیک به نماد، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا،

بررسی و مقایسه نماد از دیدگاه میزان ابهام در شعر سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و طاهره صفارزاده قابل تعریف‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هراتی با ۵۵ درصد، صفارزاده با ۳۱ درصد و حسینی با ۱۴ درصد در رده‌های اول تا سوم نمادپردازی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت در روند نمادپردازی تأثیری ندارد، بلکه بسته به سبک و رویکرد شاعر است.

## منابع و مأخذ

### کتاب‌ها

- ۱- حسینی، حسن. (۱۳۸۵). هم‌صدا با حلق اسماعیل، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- ۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). گنجشک و جبرئیل، چاپ ششم، تهران: افق.
- ۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- ۴- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، بیان، تهران: فردوسی.
- ۵- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۴ الف)، دیدار صبح، تهران: پارس کتاب.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴ ب)، هفت سفر، تهران: برگ زیتون.
- ۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴ ج)، روشنگران ماه، تهران: برگ زیتون.
- ۸- محبتی، مهدی، (۱۳۸۰)، بدیع نو، تهران: سخن.
- ۹- معروف، یحیی و عاطی عبیات (۱۳۹۰)، «نمادپردازی در شعر پایداری دفاع مقدس»، همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت، قم، دانشکده اصول دین.
- ۱۰- مولانا، جلال الدین (۱۳۸۴)، مثنوی معنوی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- ۱۱- هراتی، سلمان، (۱۳۸۰)، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، چاپ دوم، تهران: دفتر شعر جوان.
- ۱۲- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳)، معانی و بیان، چاپ دوم، تهران: هما.

## پایان‌نامه‌ها

- ۱- جمشیدیان، همایون (۱۳۷۸)، «بررسی و تحلیل واقع‌گرایی و نمادگرایی در ادبیات منظوم دفاع مقدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- رسولیان آرائی، صدیقه (۱۳۹۰)، «بررسی نماد در شعر معاصر با تأکید بر آثار سلمان هراتی، سید حسن حسینی و طاهره صفارزاده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- ۳- رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۷۸)، «نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۶۷ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- سعادت، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی نماد و نمادگونه‌ها در شعر دفاع مقدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد.

## مقالات

- ۱- حمید رفیعی، محمدعلی، (۱۳۶۸)، «پرهیزید تا جایی که بتوانید از ابهام و کژتابی»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۶۴.
- ۲- فتوحی، محمود، (۱۳۸۷)، «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۳۸۷، ش ۶۲، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۷-۳۶.
- ۳- قربانی، محمد (۱۳۹۲)، «نمادهای اسطوره‌ای ملی و دینی در شعر دفاع مقدس» پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳۰، صص ۱-۲۳.
- ۴- یوسفی، محمدرضا (۱۳۹۲). «نماد از دیدگاه ابهام»، فنون ادبی، ش ۲، صص ۱۶۱-۱۷۸.